

متن پرسش

سلام استاد عزیزم: در مقوله دعا سوالی داشتم که عرض می‌کنم: استاد چند وقتی است نمی‌توانم برای مثلا شفای بیمارم یا حل فلان مشکل دنیایی دعا کنم و به اصطلاح اشکم برای اینجور دعا در نمی‌آید! حس می‌کنم همین که هست درست است و طلب الان من نشان از نرسیدن است. از یک طرف هم می‌فرماید نمک سفره‌تان را از ما بخواهید! از یک طرف داریم که اگر مومن می‌دانست به سبب بلا چقدر به او ملکات نورانی می‌دهند در آخرت، آرزو می‌کرد با قیچی تکه تکه می‌شد. از یک طرف علامه حسن زاده می‌فرماید همه می‌گویند بده حسن می‌گوید بگیر! از یک طرف اصلا دنیا در چشم عارف نیست که پی اصلاحش باشد، از یک طرف در حال غفلت دنیا فشار می‌آورد بیماری اش و سختی‌هاش، از یک طرف اولیا الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون! از یک طرف دنیا خواب و لهو و لعبی بیش نیست و عکسی در آینه! از یک طرف بقیه دور و بری ها توجیه نیستند و عاجزمان می‌کنند! استاد چه کنیم با این دور و بری های ترسیده از مشکلات دنیایی؟ چرا ما را نمی‌فهمند؟ من هم نمی‌فهمشان! استاد چطور دعا کنیم؟ آیا ارزش دارد زار بزنییم تا مریضمان شفا بیابد؟ خودم جواب را می‌دانم اما با بقیه اهل دنیا که احاطه مان کردند و از ما اینجور دعاها را می‌خواهند چه کنیم؟ استاد در خصوص دعا برای حاجات دنیایی بفرمایید چه کنیم در حالی که کارساز ما به فکر کار ماست و فکر ما در کار ما آزار ما!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به دعای جناب اباذر عزیز فکر کنید که فرشتگان به پیامبر «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» خبر دادند که آن دعا در آسمان‌ها مدّ نظر قرار گرفته است. دعایی که جناب اباذر اظهار می‌دارند: «اللّهُمَّ اِنِّی اسئَلُکَ الِامَنَ و الِایْمَانَ بکَ وَ التَّصْدِیْقَ بِنَبِیِّکَ وَ العَافِیَةَ مِنْ جَمِیعِ البَلَاءِ وَ الشُّکْرَ عَلَی العَافِیَةِ وَ الغَنی عَنِ شَرَارِ النَّاسِ». اصول کافی ج ۴ . صفحه ۳۸۱ باب الدعاء . بار خدایا ! از تو امان و ایمان به خودت را درخواست می‌کنم ، توفیق تصدیق و دنباله روی از پیامبرت را آرزومندم . آری! عافیت به معنای آن که مشکلاتی که ما را گرفتار دنیا می‌کند، رفع شود و اگر صلاح است بیمارمان شفا یابد و شرار ناس هم که معلوم است انسان گرفتار آدم‌های آن‌چنانی نباشد و حقیقتاً این نوع دعا و تقاضا، نوعی حضور بهتر در زندگی را برای انسان مقرر می‌دارد. موفق باشید